

مدل مفهومی شیوه مواجهه سایت بی بی سی فارسی با خبر در گذشت ملکه

محمد بابایی^۱ | فاطمه رافع^۲

۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران. رایانامه:

Mohammadbabaei@Khu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد روزنامه نگاری، گروه روزنامه نگاری، دانشکده ارتباط، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران. رایانامه:

f.rafe@ymail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	هدف: هدف اصلی مقاله استخراج مدل مفهومی سایت بی بی سی فارسی درباره خبر مرگ ملکه الیزابت است. پرسش اصلی مقاله این است که سایت بی بی سی فارسی کدام مدل مفهومی را در پرداختن به خبر مرگ ملکه برگزیده است تا بتواند معنای مورد نظر خود را از این رویداد به مخاطب منتقل کند؟
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰	روش پژوهش: پژوهش از نوع کیفی و با استفاده از تکنیک تحلیل مضمون انجام شده است. یعنی مدل مفهومی از بطن مضامین برگرفته از مضامین اصلی متن های خبری بدست آمده است.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵	یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نیز نشان داد سایت بی بی سی فارسی تلاش کرده است از طریق پردازش مضامین اولیه یا پایه در قالبی هوشمندانه و سپس تعبیه آنها در مقولاتی کلی تر در شکل سه مضمون واسطه یعنی مادر، رهبر و دوست قابل اعتماد، مضمون کلان و نهایی « رهبری مادرانه » را به مخاطب القاء نماید.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۸	نتیجه گیری: مفاهیم به کار رفته در تولیدات سایت بی بی سی فارسی درباره درگذشت ملکه بریتانیا نشان داد این سایت خبری در تولید محتوای خود بی طرف نبوده و محتوای سوگیرانه‌ای را که بار معنایی مثبتی داشته به مخاطب عرضه کرده است تا تصویری مثبت از ملکه بریتانیا در ذهن مخاطب بسازد؛ به لحاظ فنی نیز استخراج مدل مفهومی در مقاله، بیانگر عملکرد تلویحی و اعلام نشده در بستر چارچوب سازی رسانه‌ای حول این موضوع است. به این معنا که تولید کنندگان پیام
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱/۲۵	کلیدواژه‌ها: بی بی سی فارسی، تحلیل مضمون، مدل مفهومی، مرگ ملکه.

های سایت بی بی سی فارسی از پیش معانی خاصی را در نظر دارند و برای انتقال آن قالب ها و تکنیک هایی مناسب در نظر می گیرند تا مخاطب را با خود همراه سازند.

کلیدواژگان: بی بی سی فارسی، تحلیل مضمون، مدل مفهومی، مرگ ملکه.

استناد: بابایی، محمد؛ رافع، فاطمه؛ (۱۴۰۱). مدل مفهومی شیوه مواجهه سایت بی بی سی فارسی با خبر درگذشت ملکه. علوم خبری، ۱۱ (۳)، ۱-۲۰.

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>



© نویسندگان.

مقدمه

درک عمومی جهان به میزان قابل توجهی متأثر از عملکرد رسانه‌ها و برساختی است که از واقعیت ارائه می‌کنند. به تعبیری، بازنمایی‌های رسانه‌ای قادرند به شناخت عمومی شکل دهند. درک بهتر عملکرد رسانه‌ها افزون بر تکنیک‌ها و پروتکل‌ها، مستلزم شناخت ایدئولوژی و رمزگذاری آن در پس تولیدات آنهاست. از این رو محققان، بازنمایی رسانه‌ای را خنثی و بی‌طرف نمی‌دانند. از نگاه آنها عملکرد رسانه‌ها عموماً همسو با هژمونی و ایدئولوژی نظام مسلط است و تصور رسانه مستقل، افسانه‌ای بیش نیست (چامسکی و هرمان، ۱۳۷۷). در این میان رسانه بی بی سی به مثابه نمادی از رسانه‌های خدمت عمومی ۱ نیز برکنار از این واقعیت نیست. یکی از تازه‌ترین نمونه از اینگونه بازنمایی‌ها را می‌توان در پوشش اخبار درگذشت الیزابت دوم ملکه بریتانیا مشاهده کرد. مقاله حاضر به بررسی نحوه مواجهه سایت بی‌بی‌سی فارسی ۲ با رویداد درگذشت ملکه بریتانیا می‌پردازد. ۳ پرسش اصلی این مطالعه آن است که سایت بی‌بی‌سی در قالب پوشش اخبار درگذشت ملکه چه معنایی را به مخاطب القاء کرده است؟

پیشینه پژوهش

نیاز به گفتن نیست که مطالعات بسیاری درباره عملکرد بی بی سی فارسی در موضوعات مختلف به زبان‌های فارسی و غیر فارسی در دسترس است. از این رو شاید

۱- Public Service

۲- بی‌بی‌سی فارسی سازمان رسانه‌ای بزرگ بین‌المللی و نهاد خبری چندرسانه‌ای است که اخبار و اطلاعات را از طریق تلویزیون، وبسایت، رادیو، تلفن همراه و ابزارهای الکترونیکی قابل حمل در اختیار مخاطبان فارسی زبان در سرتاسر دنیا به ویژه در اختیار مخاطبان در ایران، افغانستان و تاجیکستان قرار می‌دهد. بر اساس اطلاعاتی که در وبسایت بی‌بی‌سی فارسی بارگذاری شده است، این سایت به نشانی bbcpersian.com در ماه مه ۲۰۰۱ راه اندازی شده و هم اکنون اخبار و اطلاعات را ۲۴ ساعته به خوانندگان ارائه می‌کند. بی‌بی‌سی در وب سایت خود، این رسانه را مشهور به ارائه اخبار قابل اطمینان معرفی می‌کند که در تلاش است خبرهایی دقیق، بی‌طرفانه، مستقل و منصفانه تولید کند»

۳- الیزابت الکساندرا مری، ملکه الیزابت دوم، ۲۱ آوریل ۱۹۲۶ در می‌فرلندن زاده شد؛ او از ۶ فوریه ۱۹۵۲ و در پی در پی مرگ پدر به سلطنت رسید و تا ۸ سپتامبر ۲۰۲۲ یعنی زمان مرگ، ملکه بریتانیا و دیگر قلمروهای مشترک‌المنافع آن بود. (بیش از ۷۰ سال و طولانی‌ترین زمان سلطنت در پادشاهی بریتانیا). ملکه الیزابت، در ۹۶ سالگی درگذشت.

چندان نیازی به برشمردن همه آنها در اینجا برای مخاطبان آشنا به این حوزه نباشد و اشاره به برخی از مهمترین ها به عنوان نمونه کفایت نماید.

سید محمدرضا فیاضی در مقاله «تحلیل روزنامه‌نگاری عینی بی‌بی‌سی فارسی در عرصه روایتگری: مطالعه موردی جنگ ۵۰ روزه غزه» به دنبال پاسخ به این پرسش بوده که آیا شبکه بی‌بی‌سی فارسی اصل روزنامه‌نگاری عینی را که یکی از اصول بین‌المللی اخلاق حرفه‌ای در عرصه روزنامه‌نگاری است، در بازتاب جنگ ۵۰ روزه رعایت یا نقض کرده است؟ یافته‌های پژوهش نشان داد این شبکه ضمن تلاش برای حفظ اعتماد مخاطب با تأیید و تقویت ایده مذاکره تحت هر شرایطی و نفی مقاومت، به توجیه بیشتر حملات اسرائیل در قیاس با حملات حماس پرداخته است. بی‌بی‌سی همچنین در کنار صلح‌طلب نشان دادن خود به القاء وجود شکاف میان حماس و مردم غزه می‌پردازد و در عین حال چهره‌ای مقتدر از ارتش اسرائیل به تصویر می‌کشد و به این ترتیب در عرصه روایتگری نوعی سوگیری یا عدم پایبندی به اصل روزنامه‌نگاری عینی را نشان می‌دهد. همچنین یافته‌های تحقیق علیرضا عبدالله با عنوان «بررسی تطبیقی ساختار و نحوه پوشش اخبار مربوط به ایران در تارنماهای خبری ملی و بین‌المللی؛ تحلیل محتوای مطالب سیاسی تارنماهای خبری ایرنا، بی‌بی‌سی فارسی و صدای آمریکا فارسی» نشان داد تارنمای بی‌بی‌سی فارسی بر خلاف ادعای خود مبنی بر رعایت اصل عینیت و پرهیز از سوگیری بیشترین حجم اخبار مربوط به ایران را به صورت منفی بازتاب داده است. علی نوری ممرآبادی نیز در پژوهشی با عنوان «مقایسه گفتمان خبری بی‌بی‌سی فارسی و صدای آمریکا درباره پنجمین دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری» نشان داده که نظام گفتمانی حاکم بر متون خبری وب سایت بی‌بی‌سی فارسی قبل و بعد از انتخابات مبتنی بر گفتمان‌های «حمایت از یک قطب و مخدوش کردن قطب دیگر» و «دو قطبی‌سازی انتخابات بوده که در نهایت این گفتمان‌ها در راستای گفتمان «تقابل با نظام جمهوری اسلامی» است. مهدی هوشیار (۱۳۹۱) نیز در پایان نامه «تحلیل گفتمان پوشش خبری وقایع خاورمیانه و شمال آفریقا توسط سایت بی‌بی‌سی فارسی و خبرگزاری ایرنا»، و با روش تحلیل گفتمان در صدد پاسخ به این پرسش است که پوشش اخبار خاورمیانه و شمال آفریقا از سوی سایت بی بی سی فارسی و خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران چه گفتمان هایی را القاء می کند؟ هوشیار به این جمع بندی می رسد که مولفه هایی

همچون خشونت، جنگ و درگیری، رادیکالیسم اسلامی و نیز بی ثباتی عناصر اصلی گفتمان سایت بی بی سی فارسی را شکل می دهد درحالی که خبرگزاری ایرانا تلاش دارد مولفه هایی همچون مقاومت، وحدت بین کشورهای اسلامی، مداخله قدرت های فرامنطقه ای و نیز لزوم خروج آنها از منطقه را به عنوان عناصر اصلی گفتمان خود به مخاطب ارائه نماید. الیدا هوگ و کریستوفر دی. تولاچ^۱ در مقاله «بیگانگان غریق: بازنمایی رسانه ای آوارگان اقلیمی در بی بی سی و الجزیره» با روش تحلیل محتوا و مبتنی بر نظریه چارچوب بندی و تحلیل گفتمان انتقادی با مطالعه ۲۹ فیچر(داستان خبری)، درمی یابند که این رسانه ها پناهندگان اقلیمی را با چهار مفهوم بازنمایی می کنند: قربانی، تهدیدهای امنیتی، کنشگر، و افراد بی کسی که وضعیت همه آنها نیز غیر قانونی است. بر اساس یافته های این مطالعه بی بی سی به جای صحبت با خود آوارگان اقلیمی عموماً درباره آنها صحبت می کند و این بر تصویری که از آنها ارائه می شود اثر دارد. درحالی که الجزیره در پوشش خبری خود از آنها نقل قول های بیشتری را ارائه می کند و این کار به مخاطب اجازه می دهد با آنها درک و همدلی داشته باشد. در نهایت هر دو رسانه تمایل دارند پناهندگان اقلیمی را به عنوان «دیگران جهان سوم» معرفی کنند: غریبه هایی که در حال غرق شدن هستند. استیو شیفرز و استفان کالتر^۲ در مقاله «دانلود فاجعه: پوشش آنلاین اخبار بی بی سی از بحران مالی جهانی» به مطالعه نحوه پوشش اخبار بحران مالی که در پاییز ۲۰۰۸ آغاز شد در وبسایت بی بی سی نیوز، بزرگترین ارائه دهنده اخبار آنلاین در بریتانیا می پردازد. این مقاله نه فقط نشان داد اخبار آنلاین بخش مهمی از پوشش رسانه ای کلی این بحران بوده بلکه مشخص نمود الگوهای مصرف آنلاین بسیار متفاوت از سایر رسانه هاست. این مقاله همچنین ادعای «محو شدن مخاطبان آنلاین یا اینکه طیف پیچیده ای از اطلاعات و تحلیل ها در اختیار آنها قرار نگرفته است، به طور انتقادی مورد بررسی قرار داده است. ست اشلی^۳ هم در مقاله «پرونده سازی برای جنگ: تحلیل مقایسه ای پوشش خبری سی ان ان و بی بی سی از گزارش کالین پاول به شورای امنیت سازمان ملل» با اشاره به نقش نقش هنجاری

¹ -Elida Høeg and Christopher D. Tulloch

² - Steve Schifferes and Stephen Coulter

³ -Seth Ashley

ژورنال‌یسم در تحقق دموکراسی ها به برخی نظریه‌هایی استناد می‌کند که براساس آنها محدودیت‌های ساختاری مانع تحقق آرمان دموکراتیک می‌شود. مقاله برای بررسی این تناقض، تحلیل مقایسه‌ای از پوشش خبری آنلاین این دو رسانه را در خصوص سخنرانی کالین پاول در شورای امنیت سازمان ملل (در ۵ فوریه ۲۰۰۳) مبنا قرار می‌دهد و براساس روش تحلیل محتوای قوم نگارانه نتیجه می‌گیرد که محدودیت‌های ساختاری در بی‌بی‌سی که با هدف تقویت گفت‌وگوی منطقی-انتقادی و نیل به استقلال دموکراتیک- از طریق گنجاندن وسیع‌تر دیدگاه‌های متنوع تعبیه شده است در این موضوع اثرات کمتری داشته است. کنت لومیز نیز در مقاله «مقایسه صفحات وب پخش اخبار جهانی: الجزیره انگلیسی، بی بی سی، سی بی اس و سی ان ان» با اشاره به اینکه اداره کنندگان نسخه انگلیسی شبکه تلویزیونی الجزیره درصدد پخش فراخاورمیانه‌ای و نیز مدعی رقابت و تفاوت با رسانه‌های غربی اند به بررسی محتوای صفحات وب خبری جهانی الجزیره انگلیسی، بی‌بی‌سی، سی‌بی‌اس، و سی ان ان از نظر استفاده از لینک‌ها، ویدیوها، و عناصر تعاملی و نیز انتخاب داستان خبری و منابع نقل‌شده اقدام کردند. یافته‌ها نشان داد هر چهار شبکه اساساً داستان‌های مشابهی را پوشش دادند و منابع مشابهی را نیز نقل کردند. گرچه الجزیره انگلیسی کمترین تعداد اخبار با رویکرد مثبت را نسبت به ایالات متحده داشت، اما با این حال محتوای آن از نظر مواجهه با آمریکا و استفاده از زبان پراحساس، با محتوای شبکه‌های دیگر قابل توجه بود. در پایان مقاله نتیجه می‌گیرد این شبکه به میزان زیادی شبیه دیگر شبکه‌های بررسی شده است و به سختی بتوان دیدگاه متمایزی برای آن یافت.

درباره نحوه عملکرد بی‌بی‌سی فارسی و سوگیری مطالب تولیدشده آن پژوهش‌های بسیاری انجام شده است که عمدتاً به اثبات سوگیری مطالب تولیدشده آن درباره مسائل مرتبط با ایران یا هم‌پیمانان اوست با این حال درباره عینی‌گرایی محتوای تولیدشده این وب سایت درباره مسائل مرتبط با بریتانیا در داخل کشور پژوهشی انجام نشده است. این درحالی است که برای نمونه نوع بازنمایی مرگ ملکه در این شبکه با انتقادهای جدی نیز مواجه شده است. نویسندگان مقاله با وجود آگاهی از چنین پیشینه‌ای، با هدفی متفاوت اقدام به تحلیل عملکرد سایت بی بی سی فارسی در خصوص مرگ ملکه کرده‌اند و همین مسئله وجه تمایز آن را با عموم کارهای صورت گرفته بیان می‌کند. در این مقاله تلاش بر

این است که بجای تحلیل محتوا یا مطالعه پوشش خبری و یا تمام شماری، به مطالعه هدفمند مضامین تعبیه شده در پیام های سایت بی بی سی فارسی پرداخته شود تا در نهایت در یک فرایند انتزاعی سه مرحله ای به مدل مفهومی القاء شده در بطن آنها پی برده شود. شیوه اجرای روش نیز بدین نحوه است که پس از مطالعه کلیه اخبار تولید شده درباره مرگ ملکه در بازه زمانی مشخص، متن ها و تصاویری که برخوردار از مضامین اصلی و بار معنایی محوری هستند انتخاب و تحلیل می شوند. مضامین استخراج شده نیز در سه مرحله در فرایندی انتزاعی با یکدیگر ادغام می شوند تا به مقوله های کلی تر برسیم. در آخرین مرحله نیز تلاش می شود با مطالعه چندین باره متون ضمن اصلاح هر گونه استنباط اشتباه، با ادغام مقوله های کلی مرحله دوم به مقوله اصلی و مفهوم نهایی که مد نظر بی بی سی فارسی بوده است دست یابیم.

مبانی نظری

چند نظریه مشخص مبانی نظری این مطالعه را شکل می دهند. براساس نظریه هارولد لاسول، رسانه ها سه کارکرد «نظارت بر محیط»، «همبستگی اجتماعی» و «انتقال میراث فرهنگی» را برعهده دارند... براساس کارکرد انتقال میراث فرهنگی، رسانه ها ارزش ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی را از نسلی به نسل دیگر انتقال می دهند و با گسترش بنیان تجربه مشترک، انسجام اجتماعی را تقویت می کنند. جامعه پذیری از طریق رسانه ها، فرایندی است که با جذب و درونی سازی ارزش ها و هنجارهای فرهنگی توسط مردم صورت می گیرد. (مهدی زاده، ۱۳۸۹: ۴۹)

نظام رسانه ای در سطح جهانی نیز به همین گونه است. از نگاه معتمدنژاد: نقش محتوا و مضامین ارتباطاتی در انتقال ارزش ها، هنجارها، سبک زندگی و فرهنگ سرمایه داری به کشورهای پیرامون و توسعه نیافته، برای سلطه بر اذهان مردمان مشرق زمین و انهدام فرهنگ، باورها و ارزش های سنتی و تاریخی شان مدنظر است (مهدی زاده، ۱۳۸۹: ۲۱۲). والتر لیپمن، در کتاب «افکار عمومی» درباره تصویر ذهنی ما از جهان گفته که بیشتر چیزهایی را که ما از محیط زندگی خود می دانیم به طور غیرمستقیم به ما می رسد ولی با هر چه که به باور ما تصویری درست است، به گونه ای برخورد می کنیم که گویی بخشی از خود این محیط است. به نظر لیپمن تنها احساسی که هر شخصی می تواند راجع به رویدادی که آن را تجربه نکرده است داشته باشد، احساسی است که

انگاره ذهنی وی از آن رویداد برانگیخته است (تانکارد، سورین: ۲۵۹). نظریه امپریالیسم فرهنگی (سلطه غرب بر شرق) مبتنی بر روابط فرادستی و فرودستی در سطح جهان میان کشورهای صاحب ثروت و قدرت از یک طرف و کشورهای توسعه‌نیافته و فاقد ثروت و قدرت از طرف دیگر، و ملازم سرمایه‌داری است. ... امپریالیسم فرهنگی اشاره به شیوه‌هایی است که طی آن انتقال برخی از محصولات، مد و سبک زندگی از کشورهای فرادست به کشورهای فرودست و بازارهای وابسته صورت می‌گیرد و به ایجاد الگوهای خاص تقاضا و مصرف می‌انجامد. این الگوها بر ارزش‌ها، آرمان‌ها و رویه‌های غربی مهر تأیید می‌زند و سبب سیطره فرهنگ غربی و سرمایه‌داری بر فرهنگ‌های محلی می‌شود. (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۱۱)

نظریه برجسته‌سازی نیز در فهم چنین عملکرد سودمند است. به نوشته و تانکارد پژوهش‌های برجسته‌سازی نشان می‌دهد مطبوعات آینه‌ای نیستند که واقعیت‌های جامعه را چنان که هست، منعکس کنند. همانطور که لیپمن سال‌ها پیش مطرح نمود، مطبوعات مانند نورافکن هستند و هنگام نورافشانی ممکن است تحت تأثیر گروه‌هایی که منافع خاصی در یک موضوع دارند، شبه‌رویدادهایی که برای جلب توجه آفریده شده‌اند و عادات و سنن خاص روزنامه‌نگاران قرار گیرند (تانکارد، سورین: ۳۵۹). استوارت هال نیز رسانه‌ها را بخشی از «سیاست معناسازی» تعریف می‌کند و معتقد است که رسانه‌ها به رویدادهایی که در جهان به وقوع می‌پیوندند، معنا می‌دهند. او می‌گوید رسانه‌ها واقعیت را تعریف می‌کنند و به جای آنکه فقط معناهای موجود را منتقل کنند، از خلال گزینش و عرضه و سپس بازتولید و صورت‌بندی مجدد آن رویداد، برای آن‌ها معنا می‌آفرینند. از آنجا که هر واقعیتی معانی گوناگونی دارد، رسانه‌ها با تکیه بر قدرتی که دارند تصمیم می‌گیرند که به هر رویدادی چه معنایی ببخشند. بنابراین نظام‌های بازنمایی در یک فرهنگ، نقش برسازنده و نه صرفاً بازتاب رویدادها را دارند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۶: ۵۶). از سویی براساس نظریه چارچوب‌سازی نیز رسانه‌ها نه آینه‌ای برای انعکاس واقعیت، بلکه سازنده واقعیت و شکل‌دهنده به آنند. به بیان دیگر، رسانه‌ها به مخاطبان می‌گویند درباره «چه» فکر کنند و سپس چگونه فکر کردن را نیز در چارچوبی که از پیش ساخته و پرداخته‌اند، بر آنان تحمیل می‌کنند. چارچوب‌سازی مبتنی بر این فرض است که نحوه توصیف یک موضوع و رویداد در گزارش‌های خبری، بر چگونگی درک آن موضوع و

رویداد توسط مخاطب، تأثیر می‌گذارد. بنابراین کار رسانه‌ها تنها انتخاب رویداد و حوادثی خاص از میان رویدادهای زیاد نیست، بلکه معنی دادن به آن نیز هست (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹: ۸۶). هربرت گنز، جامعه‌شناس نیز استدلال می‌کند «در آمریکا در لایه زیرین خبری تصویری از ملت و جامعه‌ای وجود دارد که رسانه‌ها می‌خواهند باشد. این ارزش‌ها به ندرت آشکار است و باید آن‌ها را استنباط کرد زیرا اغلب، روزنامه‌نگاران آن‌ها را در اخبار جای نمی‌دهند. گنز این ارزش‌ها را «ارزش‌های پایدار» می‌خواند و می‌گوید می‌توان آن‌ها در انواع مختلف گزارش‌های خبری در یک دوره طولانی زمان یافت (تانکارد، سورین: ۴۶۸). آنطور که سورین و تانکارد در کتاب نظریه‌های ارتباطات نوشته‌اند، گنز هشت ارزش خبری پایدار را معرفی می‌کند که یکی از آن‌ها «رهبری» است که این ویژگی‌ها را دارد: رهبری اخلاقی یا توانا و لایق، شرافت و صداقت همراه با بینش، قوت جسمانی و شجاعت (تانکارد و سورین، ۴۶۹)

بر اساس مبانی نظری فوق مقاله حاضر در صدد فهم، استنباط و ترسیم الگوی معنایی مورد نظر سایت فارسی بی بی سی در پس بازنمایی اخبار مرگ ملکه است. بدیهی است در این فرایند مفاهیمی همچون بازنمایی، معناسازی، ارزش خبری رهبری، اقتصاد سیاسی و نیز چارچوب سازی، مفاهیم و شاخص‌های کاربردی در این مقاله خواهند بود.

روش شناسی پژوهش

روش تحقیق با توجه به ماهیت پرسش اصلی، کیفی است و بر اساس تکنیک تحلیل مضمون یا تماتیک اجرا شده است. تحلیل مضمون در واقع تکنیکی اولیه است که تقریباً در تمام روش‌های کیفی بکار گرفته می‌شود (خنیفر، ۱۴۰۰، ۵۳). همچنین با توجه به اینکه در این روش مهمترین معانی یا مضامین مورد تأکید در متن استخراج و مقوله بندی می‌شوند برای مطالعه حاضر مناسب تشخیص داده شده است. این روش مبتنی بر استقرای تحلیلی است که در آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون‌داده‌ای و برون‌داده‌ای به سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد. از این رو تحلیل تماتیک کدگذاری و تحلیل داده‌هاست با هدف اینکه داده‌ها چه اطلاعاتی می‌دهند. این نوع تحلیل، در وهله اول، به دنبال الگویابی از میان داده‌هاست (طیبی، ۱۳۹۸، ۷۱). کلارک و براون (۲۰۰۶) شش مرحله را برای تحلیل مضمون بر می‌شمرند: آشنایی با

داده‌ها، ایجاد کدهای مفهومی اولیه، جستجوی کدهای گزینشی، شکل‌گیری تم‌های فرعی، تعریف و نام‌گذاری تم‌های اصلی، بازبینی نهایی و تهیه گزارش (طیبی، ۱۳۹۶، ۷۲)

براون و کلارک بین دو سطح «معنایی» و «پنهان» تم‌ها تمایز معنایی قائل شده‌اند؛ در تم‌های معنایی «تحلیلگر از درون معنی صریح یا سطحی به دنبال چیزی بیش از آنچه توسط شرکت‌کننده گفته یا نوشته شده نیست. در مقابل به نظر می‌رسد سطح نهفته فراتر از آن چیزی است که گفته شده است. می‌توان گفت در تم‌های پنهان پژوهشگر به دنبال استخراج، فهم و استنباط معنی از دل گفته‌های شرکت‌کننده و از بطن تحلیل است. این تم‌ها در مرحله‌ای از تحلیل تماتیک بروز می‌کنند که تحلیلگر با مطالعه کار انجام‌شده خود، تم جدیدی را از درون داده‌های خود کشف کند و بیرون کشد. (هاشمی، ۱۳۹۸، ۱۴)

برای انجام این تحقیق با استفاده از روش تحلیل تماتیک الگوی ۶ مرحله‌ای کلارک و براون مدنظر بوده است؛ به این ترتیب که ابتدا تمام مطالب تولیدشده سایت بی‌بی‌سی فارسی درباره درگذشت ملکه به منظور آشنایی با داده‌ها احصا شد. این سایت پس از درگذشت ملکه با تولید و انتشار محتوای متنوع و نسبتاً پرشمار (حدود ۴۰ مطلب در بازه زمانی ۸ تا ۱۷ سپتامبر یعنی در فاصله ۱۱ روز) سعی در برجسته‌سازی درگذشت ملکه و نیز خبرهای حاشیه‌ای آن داشته است که در این تحقیق ۲۷ مطلب این سایت در این بازه زمانی که به نظر می‌رسید ارتباط مستقیمی با سؤالات پژوهش دارد انتخاب شد. در پی آن کدهای مفهومی اولیه ایجاد و کدهای گزینشی نیز جستجو شد. این مراحل به شکل‌گیری تم‌های فرعی، تعریف و نام‌گذاری تم‌های اصلی، بازبینی نهایی و تهیه گزارش منتج شد. بررسی محتوای تولیدشده سایت بی‌بی‌سی فارسی درباره درگذشت ملکه بریتانیا مؤید نظرات هربرت گنز، جامعه‌شناس نیز است که گفته بود در لایه‌های زیرین خبری، ارزش‌های پایداری به مخاطب عرضه می‌شود. او این تجمع ارزش‌ها و قضاوت‌های مرتبط با آن را «پاراایدئولوژی» خواند که یکی از آن‌ها ارزش «رهبری» است. برای رسیدن به ایده اصلی که سایت بی‌بی‌سی فارسی از نحوه تولید محتوا درباره درگذشت ملکه بریتانیا داشته، مفاهیم استفاده‌شده در خبرها و گزارش‌های این سایت در ۳ بخش

خانواده سلطنتی، جامعه بریتانیا و جامعه بین‌المللی بررسی شده است تا به گفته گنز، به پارالیدئولوژی آن‌ها برسیم.

یافته‌های پژوهش

یکی از کارکردهای رسانه بر اساس نظر هارولد لاسول، انتقال میراث فرهنگی است و به نظر می‌رسد سایت بی‌بی‌سی فارسی در پی درگذشت ملکه بریتانیا با تولید و انتشار محتوا درباره خاندان سلطنتی و ملکه سعی در انتقال ارزش‌های فرهنگی جامعه بریتانیا به مخاطبان فارسی‌زبان خود دارد. این موضوع با نظریه امپریالیسم فرهنگی که در آن محتوا و مضامین ارتباطاتی در انتقال ارزش‌ها، هنجارها، سبک زندگی و فرهنگ سرمایه‌داری به کشورهای پیرامون و توسعه‌نیافته، برای سلطه بر اذهان مردمان مشرق زمین و انهدام فرهنگ، باورها و ارزش‌های سنتی و تاریخی‌شان نقش‌آفرینی می‌کند، نیز قابل توضیح است.

سایت بی‌بی‌سی فارسی پس از درگذشت ملکه با تولید و انتشار محتواهای متنوع و نسبتاً پرشمار سعی در برجسته‌سازی درگذشت ملکه و نیز خبرهای حاشیه‌ای آن داشته است. این سایت علاوه بر تولید خبرها و گزارش‌هایی از قبیل «ملکه الیزابت دوم درگذشت»، «ملکه الیزابت دوم؛ یک عمر در تصویر»، «ادای احترام رهبران جهان به «ملکه‌ای خوش‌قلب»»، «برنامه تشییع جنازه، ادای احترام عمومی و تدفین ملکه الیزابت دوم»، «درگذشت ملکه بریتانیا: چه بر سر تمبرها، سکه‌ها و اسکناس‌ها و گذرنامه‌ها می‌آید؟» و ... در گزارشی با تیتر «بازتاب درگذشت ملکه بریتانیا در رسانه‌های بین‌المللی؛ ستایش جهانی همزمان با انتقاد در ایران و اسرائیل» به انعکاس نحوه پوشش رسانه‌های جهان از ماجرای درگذشت ملکه بریتانیا هم پرداخته است تا مخاطب فارسی‌زبان با ابعاد دیگری از برجسته‌سازی این خبر در سایر رسانه‌ها نیز مواجه شود.

این سایت، علاوه بر اینکه با تولید محتوای پرشمار، خبر درگذشت ملکه بریتانیا را برای مخاطب فارسی‌زبان برجسته کرده، در تولید این محتوا، بی‌طرف نبوده و سوگیری داشته است. سایت بی‌بی‌سی فارسی در این زمینه چارچوب‌بندی خاصی را نیز مدنظر داشته و تلاش کرده است با استفاده از قدرت رسانه‌ای خود تصویری که از ملکه و خاندان سلطنتی به مخاطبان فارسی‌زبان ارائه می‌دهد، تصویری مثبت باشد. همانطور که

سیدمحمد مهدی زاده در کتاب «نظریه‌های رسانه؛ اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی» نوشته که رسانه‌ها برای چارچوب‌سازی رویدادها و تولید معنا برای مخاطبان، از رویه‌ها و شگردهایی چون انتخاب واژگان، استعاره‌ها، کنایه‌ها، تمثیل‌ها و ... استفاده می‌کنند، سایت بی‌بی‌سی فارسی نیز در مواجهه با درگذشت ملکه در تولید محتوای خود «نظام واژگانی» را به کار برده که حاصل آن، با استفاده از واژگانی که بیشتر بار معنایی دارند، ارائه برساخت و چارچوبی مثبت از ملکه به مخاطب است. مصادیق چنین ادعایی را می‌توان از نخستین خبری که پس از درگذشت ملکه منتشر کرد، چنین برشمرد: این سایت در خبری با تیتراژ «ملکه الیزابت دوم درگذشت» که هشتم سپتامبر منتشر شده، از واژگانی با بار معنایی مثبت استفاده کرده است: «او بعدازظهر پنجشنبه در اقامتگاهش در اسکاتلند، جایی که بیشتر تابستان را در آنجا گذرانده بود، با آرامش درگذشت». در همین خبر واکنش برخی چهره‌های بریتانیا به درگذشت ملکه نیز آمده که آن‌ها نیز از واژه‌هایی مانند «حاکمی محبوب» استفاده شده است.

درباره چارچوب‌بندی، انگاره‌سازی و نظام واژگانی سایت بی‌بی‌سی فارسی در مواجهه با درگذشت ملکه می‌توان به کاربرد واژه‌ها و صفت‌هایی همچون «احساس مسئولیت شدید»، «عزم راسخ»، «وقف زندگی برای مردم»، «رعایت دقیق قانون اساسی»، «چهره‌ای آرامش‌بخش»، «مادربزرگ دلسوز» و ... اشاره کرد. این سایت همچنین گزارشی از واکنش چهره‌ها و شخصیت‌های سرشناس سیاسی به درگذشت ملکه منتشر کرده که همه آن‌ها از بایدن گرفته تا مکرون، توصیف مثبتی از ملکه داشته‌اند؛ «ملکه خوش‌قلب»، «دوست فرانسه»، «معرف یک دوران»، «با ذکاوت»، «مهربان»، «حاکم با ثبات و بی‌بدیل»، «آرامش‌بخش و شوخ‌طبع»، «دوستی سخاوتمندانه»، «شخصیتی باثبات و خردمند»، «شخصیت فوق‌العاده» و

بررسی محتواهای تولیدشده در سایت بی‌بی‌سی فارسی نشان می‌دهد این سایت تلاش کرده است با تولید محتوا درباره ملکه بریتانیا پس از درگذشت وی، انگاره‌های ذهنی مخاطب فارسی‌زبان را درباره او، جایگاه نهاد سلطنت در میان مردم انگلستان و کشورهای تحت حاکمیت این نهاد شکل دهد و همانطور که لیپمن گفته شخص زمانی می‌تواند درباره رویدادهایی که آن‌ها را تجربه نکرده، احساسی داشته باشد که انگاره ذهنی از آن رویداد در ذهنش شکل گرفته باشد.

این سایت با محتواهایی که پس از مرگ ملکه بریتانیا درباره او منتشر کرده که عمدتاً هم از نوع فیچر است، تلاش کرده تصویری از ابعاد مختلف زندگی او برای مخاطب بازنمایی کند و انگاره ذهنی در ذهن مخاطب فارسی‌زبان از ملکه شکل دهد، چه آن زمان که در گزارشی ملکه الیزابت را «نقطه ثابت در جهان در حال تغییر» دانسته و از نقل قول وینستون چرچیل، نخست وزیر پیشین بریتانیا که در دوران کودکی ملکه گفته بود: «او نوعی اقتدار دارد که برای یک کودک اعجاب‌آور است» استفاده کرده تا گزاره خود را مبنی بر اینکه «الیزابت از همان اوان کودکی احساس مسئولیت زیادی از خود نشان می‌داده است» به مخاطب اثبات کند و چه آنجا که در گزارشی با تیتیر «درگذشت ملکه الیزابت دوم؛ این لحظه‌ای است که تاریخ متوقف می‌شود» نوشته جانی دایموند روایت این گزارشگر سلطنتی را از برخی نقل‌قول‌های طلایی ملکه در دوران سلطنتش مرور می‌کند: دایموند در بخشی از این گزارش از روز تاجگذاری الیزابت دوم چنین توصیفی از او ارائه کرده است: «زنی جوان که به زحمت سن‌اش از سن دخترکی بیشتر است، صاف نشسته است، گیسوان تیره‌اش را جمع کرده، با دو رشته مروارید دور گردنش. درخشش جوانی را در پوست بی‌عیبش می‌توان دید، بسیار زیباست».

مثال دیگر در همین زمینه گزارش تصویری است که سایت بی‌بی‌سی فارسی با تیتیر «ملکه الیزابت دوم و دنیای ورزش» یک روز پس از درگذشت او منتشر و در آن به حضور ملکه در «ده‌ها رویداد مهم ورزشی» اشاره‌ای کرده و تلاش کرده در ذهن مخاطب از او، فردی ورزشکار و حامی فعالیت‌های ورزشی بسازد و نوشته است: «او همچنین خود نیز به ورزش سوارکاری علاقه‌ای ویژه داشت و این ورزش یکی از سرگرمی‌های همیشگی او محسوب می‌شد».

این سایت همچنین در ادامه برجسته‌سازی درگذشت ملکه تا اواخر ماه سپتامبر نیز همین خط خبری انگاره‌سازی را همچنان دنبال کرده است؛ در روز ۲۷ سپتامبر (۵ مهر ماه) این سایت گزارشی با تیتیر «آنچه که لهجه انگلیسی ملکه الیزابت دوم در مورد جهان در حال تغییر نمایان کرد» منتشر کرده که در آن به لهجه ملکه پرداخته است؛ ملکه‌ای که به تعبیر سایت بی‌بی‌سی فارسی لهجه‌اش «در طول سلطنت طولانی‌اش تکامل یافت، که منعکس‌کننده تغییرات اجتماعی عظیمی است که طی این دوره رخ داده است». در بخشی از این گزارش آمده است: «لهجه متمایز علیاحضرت، که از طریق سخنرانی‌های

عمومی، برنامه‌های رادیویی، تلویزیون و سپس اینترنت به گوش‌ها می‌رسید، بینشی منحصر به فرد از چگونگی تغییر جهان در طول سلطنت طولانی او - و چگونگی تغییر او در این میان - ارائه می‌دهد. همچنین به شواهد فزاینده‌ای اضافه می‌کند مبنی بر این که الگوهای گفتاری ما در طول عمر انسان انعطاف‌پذیرتر است از آنچه قبلاً تصور می‌شد، الگوهایی که تجربیات و خاطرات ما را جذب و منعکس می‌کند - حتی در دوران کهنسالی».

بررسی محتوای تولیدشده سایت بی‌بی‌سی فارسی درباره درگذشت ملکه بریتانیا مؤید نظرات هربرت گنز، جامعه‌شناس نیز است که گفته بود در لایه‌های زیرین خبری، ارزش‌های پایداری به مخاطب عرضه می‌شود. او این تجمع ارزش‌ها و قضاوت‌های مرتبط با آن را «پاراایدئولوژی» خواند که یکی از آن‌ها ارزش «رهبری» است. در همین زمینه این سایت از ملکه بریتانیا، رهبری را به تصویر کشیده که باتدبیر، مسئولیت‌پذیر، قانون‌مدار، عامل وحدت، یک اصلاح‌طلب است که نقطه اتکایی برای مردمش بوده و خواهان همراهی آن‌ها و همچنین در دوره سلطنت طولانی خود در موقعیت‌های مختلف تلاش کرده فاصله نهاد سلطنت را با مردم کم کند؛ برای مثال در یکی از این گزارش‌ها گفته شده که «در اواخر دهه ۱۹۶۰ شبکه بی‌بی‌سی اجازه یافت مستندی با نام «خاندان سلطنتی» بسازد و در این فیلم تصاویری از اعضای خاندان سلطنتی در یک مهمانی کباب، یا در حال تزئین درخت کریسمس نشان داده می‌شد. شاید همه این‌ها اقدامات کاملاً عادی به نظر برسند، اما باید در نظر داشت که تا پیش از آن هیچیک از اعضای خاندان سلطنتی در این حالات دیده نشده بودند. این فیلم بازتاب‌دهنده حال و هوای غیررسمی‌تر زمانه جدیدی بود و نقش مهمی در تجدید حمایت عمومی از خاندان سلطنتی داشت.» یا اینکه ملکه الیزابت در دوران سلطنت خود بسیاری از تشریفات دست‌وپاگیر سلطنت را کنار گذاشت و اصطلاح «سلطنت»^۱ را به تدریج با اصطلاح «خانواده سلطنتی»^۲ جایگزین کرد.

علاوه بر این، بی‌بی‌سی در مطالب تولیدشده بارها به توفیق ملکه الیزابت در حفظ سلطنت و نیز تداوم رهبری کشورهای مشترک‌المنافع اشاره کرده است. برای مثال در

^۱ - The Monarchy

^۲ - The Royal Family

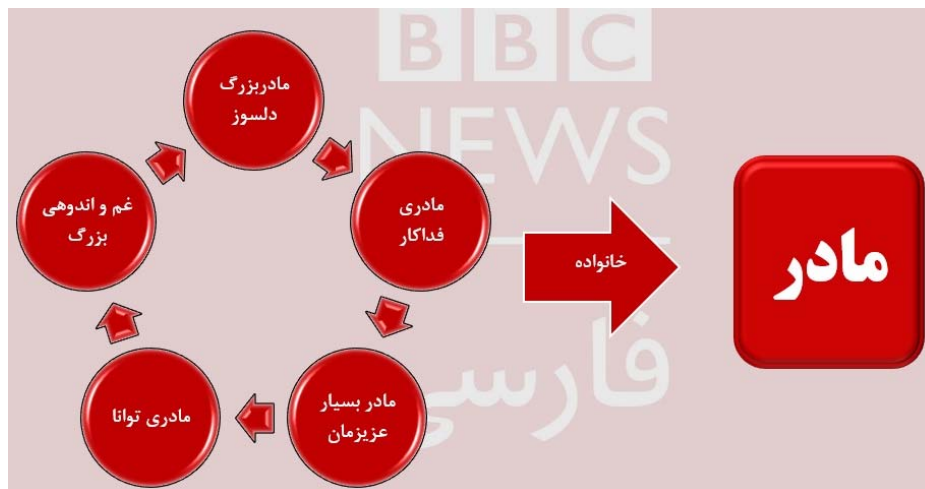
گزارش «ملکه الیزابت دوم، نقطه ثابت در جهان در حال تغییر» به فراز و فرود دوره طولانی سلطنت او پرداخته است. بی بی سی معتقد است سفرهای متعدد ملکه به کشورهای مشترک المنافع سبب شد وضعیت شکننده بریتانیا در حوزه بین الملل پس از جنگ جهانی دوم که بیم آن می رفت دوره اضمحلال این امپراتوری باشد، به ثبات برسد و دوباره به دوران اوج خود بازگردد.

سایت بی بی سی فارسی که یکی از زیرمجموعه های بنگاه خبرپراکنی بریتانیا به عنوان رسانه رسمی و قدیمی بریتانیای کبیر است، همانند عملکرد در سایر رخدادهای، در مواجهه با درگذشت ملکه نیز از نگاه یک دولت و کشور جهانگشا به موضوع نگرسته و اینطور به مخاطب القا می کند که رهبری الیزابت دوم سبب شده تا گستره نفوذ بریتانیای کبیر دوباره به منصفه ظهور برسد و انگلیس جدید با تکیه بر انگلستان قدیم و سنت های برجای مانده از دوران ویکتوریایی به شکلی دیگر بر جهان حکمرانی کند.

نحوه مواجهه سایت بی بی سی فارسی با درگذشت ملکه را می توان با نظریه اقتصاد سیاسی رسانه تحلیل کرد که بر اساس آن فرایند بازتولید ایدئولوژیکی، بدون تحلیل بافت و زمینه اقتصادی که متن در آن تولید و توزیع می شود و فشارها و الزامهایی که این بافت اعمال می کند، قابل فهم نیست. تام میلز نیز در مقدمه کتاب «افسانه بی بی سی» می نویسد: به رغم ادعاهای فراوان مطرح شده، بی بی سی نه مستقل است و نه بی طرف؛ چون ساختار و فرهنگ آن عمیقاً بر ساخته گروه های قدرتمند در جامعه بریتانیاست و در نتیجه، چنین فرهنگی همه آنچه را که ما در بی بی سی می بینیم، می شنویم و می خوانیم، شکل می دهد. (میلز: ۱۴)

استخراج مدل مفهومی

مطابق یک فرایند انتزاعی سه مرحله ای (پس از طی مراحل شش گانه مورد نظر گنز)، مضامین استخراج شده اولیه در قالب مقوله های کلی تر دسته بندی شدند. شکل ۱ این نخستین فرایند را نمایش می دهد



شکل ۱: استخراج مقوله کلی از مضامین اولیه؛

شکل گیری مضمون مادر (منبع : یافته های پژوهش)

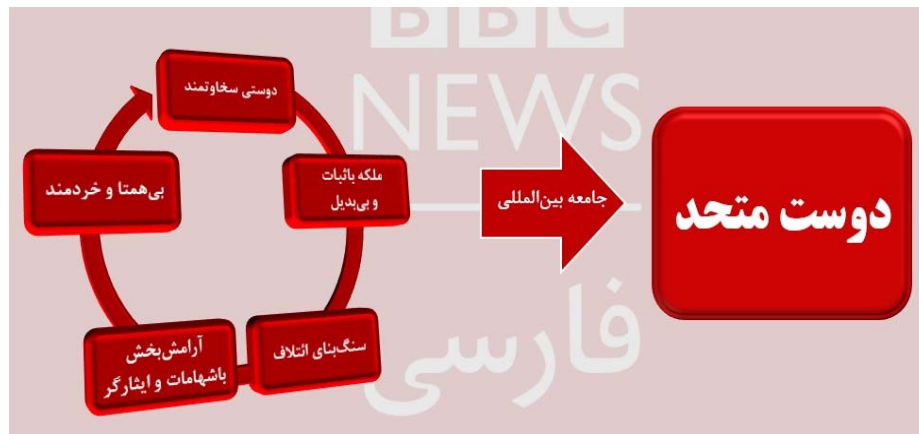
از پنج مضمون اولیه شامل مادر بزرگ، مادری فداکار، مادربسیار عزیزمان، مادری توانا و غم و اندوهی بزرگ، به نظر می رسد سایت بی بی سی فارسی تلاش کرده است تصویری از معنای مادر در مرکز یک خانواده را در ذهن مخاطب شکل بدهد. بار معنایی چنین مضمونی البته می تواند با کمترین مقاومتی در ذهن مخاطب جای بگیرد.



شکل ۲: استخراج مقوله کلی از مضامین اولیه ،

شکل گیری مضمون رهبر (منبع : یافته های پژوهش)

مطابق شکل ۲، بر اساس هفت مضمون اولیه که متون خبری و در وصف ملکه الیزابت بیان شده شامل تقویت مثبت اندیشی، التیام شکاف ها، توانا، وقف زندگی برای مردم، چهره ای آرامش بخش، سنگ بنای بریتانیای مدرن و احساس مسئولیت شدید، به نظر می رسد سایت فارسی رسانه بی بی سی درصدد القای معنایی مهم برای اوست. با توجه به بسترها و زمینه ها سیاسی و تاریخی جایگاه ملکه در نظام سیاسی انگلیس و نقش آفرینی هایی که این رسانه برای ملکه الیزابت دوم در سال های طولانی سلطنت برشمرده است، مضمون رهبر را به مثابه معنایی پنهان را می توان در از مضامین اولیه استنباط نمود. بر این اساس نیز جامعه انگلیس همان خانواده (در شکل شماره ۱) است که ملکه الیزابت در اینجا نقش هدایت و رهبری آن را براساس اوصاف یاده شده بر عهده داشته است.

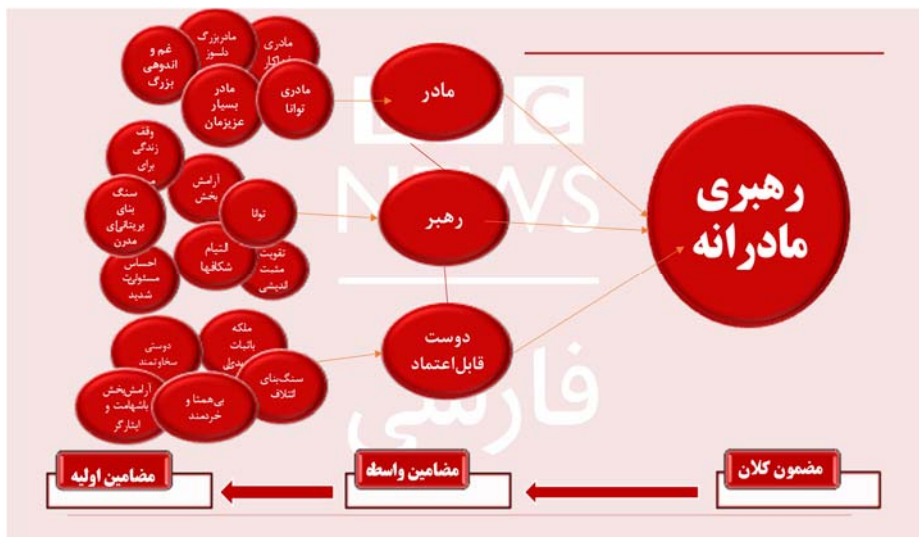


شکل ۳: استخراج مقوله کلی از مضامین اولیه؛

دوست متحد (منبع : یافته های پژوهش)

در شکل ۳ سایت بی بی سی فارسی با توسعه مفهوم خانواده به جامعه بین المللی، جایگاه کشور انگلیس را در طول دوران سلطنت ملکه، در میان سایر کشورهای جهان با مضامینی همچون دوستی سخاوتمند، ملکه باثبات و بی بدیل، سنگ بنای ائتلاف، بی همتا و خردمند و در نهایت آرامش بخش و باشهامت و ایثارگر توصیف می نماید. به نظر

می رسد همان منطق نمایش کشور انگلیس و ملکه در مرکز خانواده جهانی (جامعه بین المللی) در اینجا نیز به نوعی دیگر تکرار شده است. از این رو می توان مفهوم دوست متحد برای سایر کشورها را برای ملکه (کشور انگلیس) به عنوان مقوله کلی تر از این مفاهیم استخراج نمود.



شکل ۴: استخراج مدل مفهومی :
رهبریِ مادرانه (منبع : یافته های پژوهش)

در شکل ۴، با توجه به کلیه مضامین بدست آمده و نیز براساس تکنیک تحلیل مضمون، کلیه مضامین به دست آمده در دو دسته مضامین اولیه و مضامین واسطه دسته بندی شدند. در مرحله سوم و آخرین مرحله به منظور استخراج کلان ترین مضمون از مضامین پایه و واسطه تلاش شد مضمون اصلی که برابندی از کلیه متون و مضمون آن باشد استخراج شود. با در نظر گرفتن همه مضامین و نیز بستریایی که متون خبری بررسی شده به آنها اشاره می کردند در نهایت به نظر رسید که سایت بی بی سی فارسی تلاش نموده است تا معنای «رهبری مادرانه» را به طور خاص و در قالب فرایندی تدریجی از پردازش اخبار مرگ ملکه به مخاطب القاء نماید. در واقع مدل مفهومی مورد نظر این

سایت بسیار ضمنی و در عین حال تدریجی تدوین شده است به نحوی که در مواجهه با هر گونه مخاطبی معانی ضمنی آن با بهره گیری از حسی مادرانه ، نوعی همسویی را در مخاطب با کمترین مقاومت بر انگیزد.

بحث و نتیجه گیری

بررسی مفاهیم به کار رفته در مطالب تولیدشده سایت بی بی سی فارسی درباره درگذشت ملکه بریتانیا مؤید این مطلب است که این سایت خبری در تولید محتوای خود بی طرف نبوده و محتوای سوگیرانه ای را که بار معنایی مثبتی داشته به مخاطب عرضه کرده است تا تصویری مثبت از ملکه بریتانیا در ذهن مخاطب بسازد؛ ملکه ای که براساس روایت این سایت هم در خانواده، هم در جامعه بریتانیا و هم در سطح بین المللی رهبری موفق و مهربان بوده و امور را با «درایتی مادرانه» رهبری کرده است. به لحاظ فنی نیز به نظر می رسد استخراج مدل مفهومی در مقاله، در مقایسه با سایر شیوه هایی که تاکنون استفاده شده است، بیانگر عملکرد تلویحی و اعلام نشده در بستر چارچوب سازی رسانه ای حول این موضوع است. به این معنا که تولید کنندگان پیام های سایت بی بی سی فارسی از پیش معانی خاصی را در نظر دارند و برای انتقال آن قالب ها و تکنیک هایی مناسب در نظر می گیرند تا مخاطب را با خود همراه سازد.

پیشنهاد

- مناسب است تولید محتوا در رسانه های ایران به ویژه در رسانه ملی بیش از پیش شکلی هوشمندانه بیابد و از عملکرد کلیشه ای به تدریج دور شود.
- تولید محتوای خبری نیازمند داشتن برنامه نظری مسنجم مبتنی بر در نظر گرفتن ذهنیت و خاطره ذهنی مخاطب و قالب های مناسب آن است.
- لحاظ کردن معنایی خاص برای انتقال به مخاطب در پوشش اخبار ملی امری اجتناب ناپذیر است. آزمون و خطا امروزه جایی در کار خبری ندارد.

منابع

- افخمی، حسین و علیرضا عبدالله (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی ساختار و نحوه پوشش اخبار مربوط به ایران در تارنماهای خبری ملی و بین‌المللی؛ تحلیل محتوای مطالب سیاسی تارنماهای خبری ایرنا، بی‌بی‌سی فارسی و صدای آمریکا فارسی. **مجله جهانی رسانه** . شماره ۸، ص ۱ تا ۳۲.
- تانکارد، سورن و جیمز ورنر (۱۳۹۶). **نظریه‌های ارتباطات**. ترجمه علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طیبی ابوالحسنی، امیرحسین (۱۳۹۸). درآمدی بر روش تحقیق: رویه‌های استاندارد تحلیل داده‌های کیفی. **فصلنامه سیاست‌نامه علم و فناوری**، شماره ۲۷، ص ۶۷ تا ۹۶.
- خنیفر، حسین و ناهید مسلمی (۱۳۹۷). اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی، رویکردهای نو و کاربردی. جلد اول. تهران: انتشارات نگاه دانش.
- فیاضی، سیدمحمد رضا، محمد رضا تقوی پور و سیاوش صلواتیان (۱۳۹۴). تحلیل روزنامه نگاری عینی بی‌بی‌سی فارسی در عرصه روایت‌گری: مطالعه موردی جنگ ۵۰ روزه غزه. **مجله جهانی رسانه**، دوره ۱۰ شماره ۱، ص ۹۰ تا ۱۰۶.
- قاسمی، یار محمد و علی هاشمی (۱۳۹۸). انجام پژوهش به روش تحلیل تماتیک: راهنمای عملی و گام به گام برای یادگیری و آموزش (مورد مطالعه: مصرف موسیقی دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه ایلام، فصلنامه علمی فرهنگ ایلام، دوره ۲۰، پاییز و زمستان شماره ۶۴ و ۶۵، ص ۷ تا ۳۳).
- مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۹۷). **نظریه‌های رسانه؛ اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی**. تهران: انتشارات همشهری.
- مهدی‌زاده، سید محمد (۱۳۸۷). **رسانه‌ها و بازنمایی**. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- میلز، تام (۱۳۹۸). **افسانه بی‌بی‌سی**. ترجمه مسعود میرزایی. تهران: انتشارات اندیشه احسان.
- نوری ممرآبادی، علی؛ علی اکبر رزمجو، و هادی نظری (۱۳۹۸). مقایسه گفتمان خبری بی‌بی‌سی فارسی و صدای آمریکا درباره پنجمین دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری. نشریه مطالعات رسانه‌ای، دوره ۱۴، شماره ۴۴ شماره ۴۴، ص ۳۹ تا ۵۷.

- هوشیار، مهدی (۱۳۹۱). تحلیل گفتمان پوشش خبری وقایع خاورمیانه و شمال آفریقا توسط سایت بی.بی.سی فارسی و خبرگزاری ایرنا. **پایان نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه صدا و سیما، تهران.

Rrfereces

- Ashley, Seth (2014). Making the case for war: A comparative analysis of CNN and BBC coverage of Colin Powell's presentation to the United Nations Security Council . **Media, War & Conflict**. Volume 38, Issue 6, pp. 120–140.
- Høeg, Elida and Christopher D. Tulloch (2018). Sinking Strangers: Media Representations of Climate Refugees on the BBC and Al Jazeera. *Journal of Communication Inquiry (JCI)* Volume 43, Issue 3. pp. 225-248.
- Loomis, Kenneth D (2009). A Comparison of Broadcast World News Web Pages: Al Jazeera English, BBC, CBS, and CNN. **Electronic News**. Volume 3 Issue 3, July 2009, pp. 113–117.
- Schifferes, Steve and Stephen Coulter (2012). Downloading disaster: BBC news online coverage of the global financial crisis. **Journalism**, Volume 14, Issue 2, pp. 228–252.
- Wales online (2022). BBC received hundreds of complaints about 'excessive' coverage of Queen's death . Retrieved from: www.walesonline.co.uk/news/wales-news/ , On February 12, 2023.